**٨٦ - اجل محتوم و معلّق**

و از حضرت بهاءالله در لوحی است. قوله الاعلی: "بسمی المشفق الکريم يا محمّد قبل علی ... در اجل محتوم محبوب تسليم و رضا است. در سراج ملاحظه نما مادام که دهن و فتيل موجود ميشود او را از ارياح عاصفه و شئونات اخری بايد حفظ نمود اين مقام هر نفسی آنچه ذکر شد قرائت نمايد البتّه محفوظ ماند و بشفا فائز گردد و اين است اجل معلّق که از قبل و بعد ذکرش ما بين عباد بوده و امّا چون دهن و فتيل بانتها رسد ديگر اسباب و آلات ثمر نداشته و نخواهد داشت اين است مقام اجل محتوم اگر چه حقّ جلّ جلاله قادر است بر تغيير آن ولکن ضرّ آخر ظاهر لذا اگر انسان بروح و ريحان و توکلّ و تسليم در اين مقام فائز شود لعمرالله از اهل فردوس اعلی مذکور گردد و در آن مقام اعلی مسکن نمايد. اگر ذکر اين مقامات بتفصيل از قلم اعلی جاری شود کلّ قبل از حتم قصد مقصد اقصی و ذروه عليا نمايند اکثری مصلحت خود را نميدانند عيسی بن مريم ميگويد تعلم ما فی نفسی و لا اعلم ما فی نفسک انک انت العليم الخبير."

و در اثری ديگر صادر از محضر حضرت بهاءالله. قوله الاعزّ: "بقضايای محتومه سلطان لايزالی راضی شده دلتنگ نباشيد و ما هو المحتوم عند ربک لا يبدله شيئی عما خلق بين السموات و الارض چنانچه ما بين عباد مذکور است دو اجل فرض نموده‏اند از برای هر شيئی الاوّل معلّق والثّانی محتوم ولکن آنچه در ايندو مقام ذکر نموده‏اند لا يسمن و لا يغنی بوده چه که از اصل علم الهی و حکم بالغه صمدانی محروم‏اند الّا من شاء ربّک و اکثری از ناس بعدم بلوغ بعرفان ايندو مقام مقرّ و معترفند. در بيان اين مطلب مثلی ذکر ميشود که شايد آنجناب بحقيقت آن عارف شده ناس را بحفظ الله و قوّته از آجال معلّقه حفظ نمايند که شايد بنفس محتوم و عرفان او فائز شده موقن شوند. در شمع ملاحظه نمائيد که مشتعل است اجل محتوم آن منتهی شدن پيه و فتيل است چه که تا اين دو باقی شمع مشتعل و منير است و چون ايندو منتهی شد حتم است اطفای او و البتّه منطفی خواهد شد و ابداً تغيير و تبديل در ايندو مقام راه ندارد و آنی تقديم نجويد و آنی تغيير نپذيرد چنانچه مشهود است و مشاهده ميشود ولکن باين حتم مرزوق شود اگر آجال اکوانيه که در نفس اکوان بقدرت رحمن خلق شده او را اخذ ننمايد و فانی نسازد و اين آجال نظر بعدم انقطاع قدرت الهيّه بر کلّشيئی مشهود آمده فهنيئا لمن بلغ الی منبع العرفان و يکون فی آثار ربه لمن المتفکرين و بلغ الی مراد الله فی کلماته فطوبی للواقفين و البالغين مثلا همين شمع بسا ميشود بانتهی نرسيده ارياح بر او مرور مينمايد و يا باسباب ديگر عما خلق منقطع ميگردد و خاموش ميشود."